

به بهانه حضور میلاد کی مرام در «آسمان غرب»

تصویر قهرمان

چهره

محمدحیدری پور
روزنامه نگار

شهید علی اکبر شیروی از معدود سرداران بزرگ سال‌های دفاع مقدس است که دو بار درباره او فیلم و سریال ساخته شده است. سال‌ها پیش و در دهه هفتاد، حسین قاسمی جامی سریال «سیمرغ» را درباره شهید شیروی و شهید احمد کشوری ساخت که پرمخاطب بود و با استقبال مواجه شد. نقش شهید

شیروی را محمد جوزانی و نقش شهید کشوری را سیدجواد هاشمی بازی می‌کرد. سه دهه بعد میلاد کی‌مرام در فیلم «آسمان غرب» ساخته محمد عسگری (که سال‌ها دستیار کارگردان و برنامه ریز سینما بوده) نقش این شهید را بازی کرده است. قبلی که در چهل و دومین جشنواره فجر رونمایی می‌شود.

نقش‌های مثبت و نقش‌هایی از این دست (قهرمانان ملی یا شهیدان) معمولاً مورد توجه قرار گرفته و به همین دلیل بازیگران دوست دارند چنین نقش‌هایی را بازی کنند.

امسال مهدی شامحمدی که مستندساز است، در نخستین فیلم سینمایی‌اش



«مجنون»، به زندگی شهید مهدی زین‌الدین پرداخته و این نقش را سجاد بابایی بازی کرده است، با توجه به بازخوردهای مثبت نسبت به فیلم و بازی بابایی احتمال نامزدی او برای این نقش بسیار است.

میلاد کی مرام هم می‌تواند با «آسمان غرب» نامزد سیمرغ بلورین شود و رقابت این دو بازیگر از دو نسل مختلف، اما با بازی در نقش دو قهرمان ملی، می‌تواند جذاب باشد.

کی مرام، در یک دهه اخیر که بازیگری را به شکل جدی دنبال کرده، هرگز بازیگر پرکاری نبوده،

چند نقش ویژه و تحسین شده دارد، از جمله «ملکه» (محمدعلی باشه آهنگر) که آن هم در حوزه سینمای دفاع مقدس است و کی مرام در آن نقش یک دیده‌بان را بازی می‌کرد، در قالب جوان عاصی و معترض هم چند نقش بازی کرده و حتی از بازی در نقش منفی، هراسی نداشته است. اما بازی اغراق شده‌اش در مجموعه‌های «ممنوعه» یا «سیاوش» از او بیشتر اجرایی کلیشه‌ای و غلو شده از جوان خشمگین و عاصی در ذهن حک کرده است.

شاید «آسمان غرب» فرصتی باشد تا کی مرام از آن قالب تکراری و دوست

نداشتنی خارج شده و حضور خود را به عنوان بازیگر تثبیت کند. او که پیش از این سریال‌ها، در فیلم ضعیف «امکان مینا» (کمال تبریزی) بازی قابل توجهی داشت، یا در «خط ویژه» (مصطفی کلباسی) در نقشی مکمل، دیده و به عنوان استعدادی تازه شناخته شد قابلیت این را دارد تا تصویری تازه از خود به مخاطب ارائه دهد. تصویری که به دلیل ماهیت نقش (شهید شیروی) قاعداً همدلی برانگیز است و با اجرایی متوسط هم از بازیگر، نمره قبولی خواهد گرفت.

بازیگرها، معمولاً نیاز به شاه‌نقش‌ها یا اتفاق‌هایی ویژه برای دیده شدن

دارند، میلاد کی مرام هم این روزها نیازمند چنین اتفاقی است. یک نقش کوتاه خیره‌کننده یا یک نقش اصلی متفاوت با چند نقشی که در یکی، دو سال اخیر بازی کرده می‌تواند نگاه‌ها را به سمت او معطوف کند. سینمای ایران، در سن و سال او بازیگر شش‌دانگ کم دارد و میلاد کی مرام روزگاری بخت ستاره شدن را داشت، در این روزها و با موج وسیع تولید آثار کمدی، بازی گیشه و ستاره‌ها تغییر کرده و مردم به چهره‌ها و نام‌های دیگری نیاز دارند. باید دید «آسمان غرب» می‌تواند فرصت درخشش برای میلاد کی مرام باشد یا باید همچنان چشم‌انتظار طلوع دوباره او باشیم؟

امیرعباس ربیعی در گفت‌وگو با «ایران» از تجربه کارگردانی فیلمی درباره شهید احمد کاظمی و حضور مؤثرش در واقعه زلزله بم گفت

حرف فیلم «احمد» اهمیت دادن به مردم است

گفت و گو

امیرعباس ربیعی اوایل دهه ۹۰ فیلم کوتاه «ملاقات» را با موضوع حقایق تلخ جنگ اشغال عراق توسط آمریکا ساخت. «ولد» عنوان دومین اثر کوتاه این فیلمساز بود که روایت از سرنوشت یک میهمان تازه در بیمارستان کوچکی در شهر غزه دارد که زیربیماران هر بار قسمتی از آن خراب می‌شود. سومین تجربه او با عنوان «ماه در خانه» سال ۹۴ ساخته شد که درباره رابطه یک صادر و فرزند و سوژه آن مرتبط با مدافعان حرم بود. او پس از تجربه سه فیلم کوتاه در فیلم نیمه بلند «بعد از ظهر» به اغتشاشات سال ۸۸ پرداخت. اولین فیلم بلند امیرعباس ربیعی با عنوان «لباس شخصی» ماجراهای حزب توده در سال‌های ۶۱ و ۶۲ را نشان می‌داد و در فیلم دومش یعنی «صد» به سراغ بمب‌گذاری دفتر حزب جمهوری و ماجرای «نفوذ» رفت. اما سومین اثر بلند ربیعی دست روی سوژه‌ای از تاریخ معاصر و نزدیک گذاشته است: «زلزله بم». «احمد» اولین فیلمی است که مستقیماً به سراغ ۱۸ ساعت ابتدایی زلزله مهیب و دهشتناک بم رفته است و قصه عمل قهرمانانه شهید احمد کاظمی در این حادثه دلخراش را روایت می‌کند. حضور فیلم سینمایی «احمد»، محصول سازمان سینمایی سور و مؤسسه تصویرشهر، که در بخش سودای سیمرغ جشنواره فجر ۴۲ حضور دارد، بهانه‌ای شد تا با او گفت‌وگویی کوتاه داشته باشیم که در ادامه می‌خوانید.

علاقه به تاریخ و سیاست در سومین اثرتان نیز مشهود است. در «احمد» وجه تاریخ پررنگ‌تر است یا سیاست؟

آنچه که روایت می‌کنید چه قدر برمیآید واقعیت بنا شده است؟ آیا خرده داستان‌ها هم واقعی است یا پرداخته ذهنی است؟

علاقه به تاریخ و سیاست سلیقه شخصی و از سر ذوق فردی نیست. علاقه به تاریخ و سیاست در من از آگاهی و معنا و از اهمیت تاریخ و سیاست بر زندگی تک‌به‌تک افراد در زندگی اجتماعی می‌آید. برای همین تاریخ و سیاست با زیست بنده گره خورده و نه تنها با زیست من بلکه با زیست جامعه گره خورده است. ما مخالف کسانی هستیم که با زیست بدون سیاست شدنی است یا معتقد به دین جدایی از سیاست هستند. تاریخ هم همین‌طور، مگر می‌شود انسان بدون نگاه به گذشته خود درست زندگی کند؟ در فیلم «احمد» تاریخ و سیاست در هم گره خورده است؛ سیاست با زندگی و با خود آدم‌های موجود در این بحران اقتباس شده و برخی ساخته و پرداخته ذهن است.

در سومین اثر خود بازم به سراغ بازیگران تئاتر رفته‌اید. چرا؟ سه نقش کلیدی فیلم ستاره سینما محسوب نمی‌شوند اگرچه در تئاتر

باز شود و اجازه دهیم هر کدام از بازیگران، فیلم بازی کنند، بدرخشند و ستاره‌سازی انجام بگیرد. ما باید فیلم به فیلم به این عرصه بازیگر اضافه کنیم چرا که استعداد‌های فراوانی در کشور داریم که متأسفانه با بسته بودن حلقه‌های ورود عمرو و استعداد این افراد هدر می‌رود.

در سینما آنچه‌ا که باید به زلزله بم پرداخته نشده است. اگر چه یک موضوع شما را با چه چالش‌هایی مواجه کرد؟

بزرگ‌ترین چالش برای من این بود که مردم بم بتوانند خودشان را در این فیلم ببینند و لبخندی روی لب‌هایشان بنشیند و بگویند بالاخره بعد از ۲۰ سال یک نفر ما را دید و درک کرد. من سعی کردم شرافت، عزت، ادب و احترام این مردم را در فیلم رعایت کنم و به مردم بم ظلم نشود. شاید این اثر خیلی به جزئیات کاراکتر شهید احمد کاظمی نپردازد اما در همین اندازه هم چه قدر از منابع مکتوب و واقعی‌اش خدمت است نه جایگاه ریاست.

مصاحبه با اعضای خانواده برای خلق شخصیت کمک گرفتید؟ درباره شخصیت شهید احمد کاظمی پژوهش‌های بسیار انجام دادیم. ما باید فیلم به فیلم به این عرصه بازیگر اضافه کنیم چرا که استعداد‌های فراوانی در کشور داریم که متأسفانه با بسته بودن حلقه‌های ورود عمرو و استعداد این افراد هدر می‌رود.

حرف «احمد» چیست و ساخت آن چه تجربه‌ای را برایتان رقم زد؟

حرف فیلم «احمد» اهمیت دادن به مردم است و مدیریتی که مبتنی بر نوکری مردم باشد؛ یعنی مدیری که قانع از روشش، عزت، ادب و احترام باشد خودش را نوکر و خادم مردم و ولی نعمت بداند و به این باور داشته باشد؛ نه به دلیل ادا و اطوار. واقعاً باورش این باشد که جایگاه واقعی‌اش خدمت است نه جایگاه ریاست.



رویشان باید درها به

یادداشت



درباره روایت متفاوت فیلم امیرعباس ربیعی از زلزله بم «احمد» در امتداد مسیری که با کیارستمی آغاز شد

سمیرا افتخاری / کشور ایران یکی از شش کشور زلزله‌خیز در دنیاست که گسل‌های زلزله‌خیز بسیاری دارد. از همین رو طی سال، شهرهای مختلفی با این پدیده طبیعی درگیر هستند. برخی از این لرزش‌ها از شدت کمی برخوردارند و شدت برخی دیگر از آنها در برخی مقاطع به‌قدری بوده که علاوه بر تخریب زیاد، قربانیان بسیاری نیز گرفته است. از این میان می‌توان به زلزله بوئین‌زهرا در سال ۱۳۴۱ اشاره کرد که چیزی حدود ۱۰ هزار کشته بر جای گذاشت و شدت تخریب تا حدی بود که مرحوم تختی شخصاً اقدام به جمع‌آوری کمک برای مردم آن منطقه کرد.

پس از آن زلزله طیس در سال ۱۳۵۷ نیز با ۱۹ هزار و ۶۰۰ کشته از زلزله‌های بزرگ کشورمان به حساب می‌آید. اما زلزله رودبار و منجیل کیلان در سال ۱۳۶۹ با ۳۵ هزار کشته و نسی از آن بم در سال ۱۳۸۲ با ۴۱ هزار کشته از جمله زلزله‌های بزرگ و تخریب‌گر ایران بودند؛ هنوز که هنوز است مردم از آن صحبت می‌کنند و یادآوری آن شب، رعبه بر بدن می‌اندازد. با اینکه اتفاقات و پیامدهای زلزله و حتی روزها و سال‌های پس از آن تا حدی است که داستان‌های بسیاری می‌توان از آن به تصویر کشید و روایت کرد، اما کمتر سینماگری به سراغ آن رفته است و تعداد آثاری که در این حوزه به تصویر کشیده شده‌اند به تعداد انگشتان دو دست نمی‌رسد.

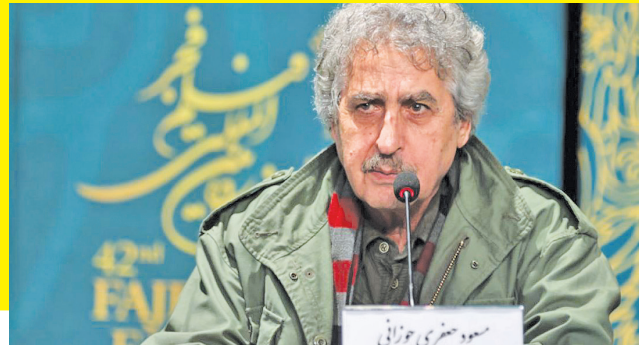
اولین گام را مرحوم عباس کیارستمی برداشت. او یک سال پس از زلزله رودبار «زندگی و دیگر هیچ» را ساخت و چند سال بعد درست در سال ۷۲ «زیر درختان زیتون» را کارگردانی کرد که هر دو به زلزله رودبار (مستقیم و غیرمستقیم) اشاره داشتند و از آثار ماندگار او به حساب می‌آیند. قریان محمدپور دیگر کارگردان ایرانی است که به این واقعه تاریخی پرداخت. او سال ۹۱ فیلم «دل بی‌قرار» را ساخت که باز هم درباره زلزله رودبار و اتفاقات پس از زلزله بود. عمده این داستان‌ها روایتی از گم‌شدن‌ها و جست‌وجوها برای یافتن گم‌گشته‌ها بود. در حالی که میزان آوار و تخریب زلزله رودبار و پس از آن بم و میزان قربانی‌هایی که این دو زلزله از خود برجای گذاشتند آقدر زیاد بود که می‌شود داستان‌های بسیاری از آن ساخت و به تصویر کشید. اما کیانوش عیاری، نخستین کارگردانی بود که پس از زلزله بم، به فکر ساخت اثری درباره آن افتاد و «بیدارشو آرزو» را در سال ۱۳۸۳ کارگردانی کرد. فیلمی که درست به شب حادثه می‌پردازد و وقایع آن زلزله شوم را از نگاه یک زندانی به تصویر می‌کشد. پس از او این رضا سبحانی بود که در سال ۱۳۸۴ «حاکم سرد» را درباره بم ساخت و در نهایت نیز امیر شهاب رضویان «میثاق شهر خاموش» را با بازی درخشان زنده یاد عزت‌الله انتظامی در سال ۱۳۸۵ با روی پرده تفرهای فرستاد.

حال از آن شب شوم در بم، بیست سال می‌گذرد و امیرعباس ربیعی، کارگردان جوان و جویای نام این روزهای سینمای ایران پس از ساخت دو فیلم «لباس شخصی» و «صد» دست به کار شده است و به همان ساعات ابتدایی وقوع این حادثه می‌پردازد. او که در دو فیلم قبلی به روزهای پرتلاطم پیش از انقلاب و پس از آن پرداخته بود، این بار به سراغ این واقعه تاریخی رفته و از بُعدی دیگر روایت‌گر این ساعات هیجانی شده است. این اثر قصه‌ای ناگفته از ۱۸ ساعت ابتدایی حادثه ترازیک زلزله بم و اقدامی قهرمانانه در این ساعات را به نمایش می‌گذارد. ربیعی این بار سراغ شهید احمد کاظمی رفته است که در ساعات ابتدایی وقوع این حادثه وارد فرودگاه بم می‌شود و فرماندهی را در دست می‌گیرد و به امداد رسانی به آسیب‌دیدگان این فاجعه می‌پردازد. روایتی جدید از یکی از فرماندهان نظامی ایران که هیچ سینماگری به سراغ او و رشادت‌هایش نرفته بود و حالا در «احمد» با او آشنا می‌شویم. پس از نامزدهای مختلف بازیگری برای ایفای نقش شهید کاظمی و تست گرم‌های متعدد در نهایت این «تینو صالحی» بود که گرم چهره شهید کاظمی بر صورتش نشست و ایفاگر نقش او شد. بازیگری که از تئاتر برخاسته و آثار درخشانی در حوزه نمایش و تصویر از خود به جای گذاشته است اما ظاهراً هنوز آطور که باید به حق خود نرسیده و باید دید حالا که ایفاگر نقش اول یک فیلم سینمایی است، می‌تواند سیمرغ بلورین بهترین بازیگر مرد جشنواره چهل و دوم را از آن خود کند یا نه! توماج دانش بهزادی دیگر بازیگر این فیلم است که در نقش یک پژوهشگر علمی و دانشگاهی در کنار تینو صالحی قرار گرفته است. از سوی دیگر از آنجایی که فیلم به لحظات پرآشوب پس از زلزله می‌پردازد، هم به لحاظ پروداکشن و ساخت و هم به لحاظ جلوه‌های ویژه بصری شاهد اتفاقات خاصی در آن هستیم. «احمد» در روایت حادثه زلزله بم و تلاش شهید احمد کاظمی برای مدیریت این بحران، قلب مخاطب را به شماره می‌اندازد و فضاهای ملتهبی را از زلزله به تصویر کشیده است.

مسعود جعفری جوزانی کارگردان «یهشت تبهکاران»

خیانت در امانت با نمایش نسخه ناقص

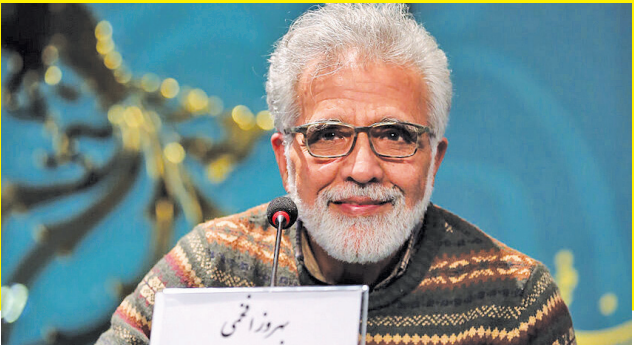
نمایش نسخه ناقص فیلم، کار غیرحرفه‌ای، خطا و خیانت در امانت بود و اصلاً در کدام فستیوال این همه سانس می‌گذارد؟ این چیزی نیست که توجیه کنیم. همیشه حرف نمی‌زنیم و آشغال‌ها را زیر فرش می‌گذاریم. اصلاً من هم خطا کرده باشم، چرا شما چنین کاری کردید؟ نشان دادن فیلم خام و ناقص، کار بسیار خطایی است و چیزی نیست که بتوانیم توجیهش کنیم. اگر کسی به خودش احترام می‌گذارد، کار اشتباهی نمی‌کند. همان‌طور که در طراحی صحنه و لباس فیلم نگاه کردید، حتی رنگ کراوات هم با تحقیق و طراحی همراه بوده است.



بهرروز افخمی کارگردان فیلم «صبح اعدام»

حذف «صبح اعدام» و جایگزینی «بی‌بدن»

در پاسخ به اظهار نظر یکی از اعضای هیأت انتخاب، مبنی بر اینکه فیلم «صبح اعدام» را به خاطر اسم افخمی به بخش سودای سیمرغ راه داده‌اند؛ اولاً اشتباه خود را توجیه نکنید. اشتباه‌تان را درباره «بی‌بدن» جبران کنید. فیلم را برای هیأت داوران نمایش بدهید و این فیلم را جای «صبح اعدام» وارد بخش مسابقه کنید. دغدغه حضور در بخش مسابقه را ندارم ولی برای اینکه جوانانی که فیلم می‌سازند کارشان درست ارزیابی شود و حتی از آنها سلب نشود، ارزش قائلم. بهتر است اشتباهات‌تان را بپذیرید نه اینکه نسبت به انتقادات این برنامه با قدرت آمرانه ناپلئونی برخورد کنید.



سجاد بابایی بازیگر «مجنون»

ارت بردن از کسی که به او بدهکاری

«صحت» فیلم را بسازیم دنبال یک تصویر نزدیک به واقعیت و کامل بودیم. در این زمینه من هر چیزی که در مستندات و مکتوبات بود، خواندم و سعی کردم به لحاظ فیزیکی هم به این شهید نزدیک شوم. برای این کار فرصت یک ماهه داشتم تا حدود ۱۰ کیلو وزن کم کنم. من نگاهی را از آقامهدی به ارت بردم و به نظرم این خیلی عجیب است که شما از کسی که هیچ طلبنی نداری و اتفاقاً به او بدهکاری چیزی را به ارت ببری و سعی کنی در مسیر او قدم بگذاری.



تصویر



تصویر

